



ISSN:2588-7033



Morphology of the Narration of the Battle of Badr in the Holy Qur'an Based on Vladimir Propp's Model

Fatemeh Dastranj^{a*}

^aAssociate Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

the Holy Qur'an,
Battle of Badr,
Propp, morphology,
narration

Received: 12 March 2024;

Accepted: 31 July 2024

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/hsow.2024.2024720.1542

ABSTRACT

Rereading the narration of the Battle of Badr in the Qur'an based on structuralist models allows getting acquainted with the elements of the narrative structure and new angles in them. With the aim of a morphological analysis of the narrative of the Battle of Badr, this article wants to answer the question that according to the model of Vladimir Propp, which functions and characters are more important in the structure of this narrative? The hypothesis of this research is that although there are substantial differences between the functions in Propp's model and the narrative discourse in the Qur'an, there are also identifiable points of adaptation. The results of this descriptive-analytical research indicate that the Battle of Badr is a single-movement narrative that is formed by the need function (the need of Muslims to neutralize the threat) and the evil function (the Quraysh's military campaign). The promise of victory is also a motivating factor that drives this trend. The third type of development of the story takes place through the pair of functions of entrusting the difficult mission and carrying it out, which leads to the function of the hero's victory in the conflict with the villain. Among the seven characters of Propp, five characters are prominent in this narrative. Among them, the character of the benefactor (God) has the highest frequency of functions, and the majority of these functions is providing or giving an object (divine help).

* Corresponding author.

E-mail address: f-dastranj@araku.ac.ir

©Author





ریخت‌شناسی روایت جنگ بدر در قرآن کریم بر اساس الگوی ولادمیر پراپ

فاطمه دسترنج^{الف}*

الف دانشیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، f-dastranj@araku.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن کریم، جنگ بدر، پراپ، ریخت‌شناسی روایت	بازخوانی روایت جنگ بدر در قرآن بر مبنای الگوهای ساختارگرایانه سبب‌آشنایی با عناصر ساختاری روایت و زوایای تازه‌ای از آن می‌شود. این نوشتار با هدف ریخت‌شناسی روایت جنگ بدر در صدد پاسخ به این پرسش است که بر اساس الگوی ولادمیر پراپ ^۱ کدام یک از خویشکاری‌ها و شخصیت‌ها در ساختار این روایت از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ فرضیه این پژوهش آن است که ضمن برخی تفاوت‌های ماهوی خویشکاری‌های الگوی پراپ با گفتمان روایی در قرآن می‌توان نکات انطباقی را شناسایی نمود. نتایج این پژوهش توصیفی-تحلیلی روشن کرد جنگ بدر روایتی تک‌حرکتی است که با خویشکاری نیاز (نیاز مسلمانان به خنثی کردن تهدید) و خویشکاری شرارت (لشکرکشی سپاه قریش) شکل می‌گیرد. وعده فتح نیز عامل انگیزشی است که این حرکت را به پیش می‌برد. از طریق جفت خویشکاری‌های سپردن مأموریت دشوار و انجام آن، که منجر به خویشکاری پیروزی قهرمان در کشمکش با شریب می‌شود، نوع سوم از بسط داستان، رقم می‌خورد. از میان شخصیت‌های هفت‌گانه پراپ، پنج شخصیت در این روایت مطرح هستند. در این بین شخصیت بخشنده (خداوند)، بیشترین بسامد خویشکاری را داراست که عمده این خویشکاری‌ها همان تدارک و یا اعطای شیء (نصرت و امداد الهی) است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰	
مقاله علمی پژوهشی S	

مقدمه

قرآن کریم کتابی هدایتگر است و خداوند متعال موضوعات گوناگون را زمینه‌ای می‌سازد تا به بیان آموزه‌ها و حقایق زندگی بپردازد. از جمله این موضوعات حوادثی است که در خلال جنگ‌ها پیش می‌آید. در قرآن کریم به جنگ‌های مختلفی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وقوع پیوسته است، اشاره شده که جنگ بدر نمونه‌ای از این جنگ‌هاست. بازخوانی این جنگ‌ها و حوادث آن از حیث روایت داستانی می‌تواند زوایای تازه‌ای را برای درک و دریافت آموزه‌ها و حقایق نهفته در آن روشن نماید. در نوشتار حاضر طبق الگوی پراپ به بررسی وجوهی از گفتمان روایی در ماجرای جنگ بدر پرداخته شده است. روایت بیان داستانی در قالب ساختاری مشخص است که در آن رخدادی به طور مقطعی به تصویر کشیده می‌شود و گفتمان روایی برای شرح و جمع‌بندی حوادث و رویدادها در داستان‌ها، حکایات، سرگذشت‌ها و غیره به کار می‌رود. این امر به روایت‌شناسی منجر می‌شود. روایت‌شناسی یکی از شاخه‌های نقد ادبی است که به تجزیه و تحلیل گونه‌های مختلف روایت می‌پردازد. روایت‌شناسی به عنوان علمی که دارای ساختار مشخص است محصول چندین دهه گذشته است. این اصطلاح اولین بار توسط تودوروف، به عنوان علم

1. Vladimir Propp

* نویسنده مسئول

مطالعه قصه به کار رفت (Todorov, 1969, 10). منظور از قصه در این رویکرد، داستان، رمان، فیلم، رؤیا و غیره است. هر یک از این گزاره‌ها ساختاری دارند که روایت‌هایی را صورت می‌دهند. روایت‌شناسی علم مطالعه ساختار حاکم بر این روایت‌هاست که به دستور زبان آن توجه می‌کند و از این حیث یک نظریه ادبی است. این نظریه ادبی تلاش می‌کند تا توضیح منطقی از ساختار روایت، عناصر روایی، ترکیب‌بندی و نظم مؤلفه‌های داستان ارائه دهد (Chatman, 1989, 3). این تلاش سبب می‌شود که عناصر روایت شناسایی شده و گفتمان‌هایی که روایت از طریق آنها بیان می‌شود، تحلیل و ارزیابی شوند (ایبرمز و هرفم، ۱۳۸۷، ۲۱۴). یافتن گفتمان‌های موجود در روایت در واقع تلاشی است تا به چگونگی تأثیرگذاری روایت‌ها پرداخته شود (کالر، ۱۳۸۲، ۱۱۲). یکی از الگوهای اولیه در روایت‌شناسی، الگوی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵-۱۹۷۰م) است. ریخت‌شناسی توصیف داستان‌ها بر اساس واحدهای تشکیل دهنده آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل داستان است (Propp, 1970, 28).

بازخوانی روشمند و ساختارگرایانه روایتی که در قرآن کریم از جنگ بدر صورت گرفته است، می‌تواند خوانشی جدیدی را سبب شود. در میان پژوهش‌هایی که به مطالعه و بازخوانی جنگ بدر پرداخته‌اند، پژوهشی که از الگوی پراپ بهره برده باشد، یافت نشد. با این حال پژوهش‌هایی هستند که بر اساس الگوی مذکور به بازخوانی قصص قرآنی پرداخته‌اند. برای نمونه سرکار خانم بتول اشرفی در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل گفتمان روایی قصص پیامبران در قرآن کریم» به بررسی وجوهی از گفتمان روایی در قصص قرآنی پرداخته و پژوهش خود را بر مبنای الگوی پراپ، گریماس، ریمون-کنان و نونیک سامان داده است. تمرکز این پژوهش بر روی داستان انبیاء پیشین است. از این رساله، سه مقاله با عناوین «بررسی خویش‌کاری‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن کریم بر اساس نظر پراپ»، «تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم بر اساس نظریه پراپ و گریماس» و «خویش‌کاری‌های موجود در داستان‌های قرآن بر مبنای دیدگاه پراپ» به چاپ رسیده است. در این حوزه همچنین می‌توان به مقالاتی مانند «تحلیل خویش‌کاری و شخصیت‌پردازی قصه حضرت عیسی علیه السلام در ترجمه‌ی تفسیر طبری بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» نوشته علی خضری و علیرضا شیخانی؛ «ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» نوشته رسول بلاوی و همکاران؛ و «ریخت‌شناسی داستان حضرت یوسف علیه السلام بر اساس الگوی پراپ در تفاسیر البرهان و الدر المنثور» نوشته طیبه حاجی سلطان و همکاران اشاره کرد. از این رو پژوهشی که به طور مستقل به موضوع مورد بحث پرداخته باشد، یافت نشد. نوشتار حاضر با این فرضیه آغاز گردید در استفاد از چنین الگوهایی باید در نظر داشت مبنای نظر و عمل زبان‌شناسان و ساختارگرایانی چون پراپ، متون بشری است که به لحاظ ماهوی با قرآن کریم که در اعتقاد مسلمانان، کلامی الهی است، متفاوت است. چنان‌چه روایت‌شناسی پراپ به قصه‌های عامیانه روسی محدود بوده است. با این حال از آن جا که این نظرات یک چارچوب و الگوی مشخص برای بازخوانی متون روایی فراهم می‌آورد، قابل توجه است و می‌تواند با تغییر و تعدیل گزاره‌ها، روشی برای بازخوانی متون مقدس نیز باشد. از این رو در پژوهش حاضر از الگوی ریخت‌شناسی پراپ استفاده شده تا از رهگذر توصیف خویش‌کاری‌ها و شخصیت‌های روایت موجود دریابیم روایت جنگ بدر چه ساختاری را در بر دارد و کدام یک از خویش‌کاری‌ها و شخصیت‌ها در این ساختار از اهمیت بیشتری برخوردار است.

چارچوب نظری

پراپ ریخت‌شناسی را با مطالعه منظم طرح داستان از سال ۱۹۲۸ میلادی وارد دنیای ادبیات کرد. او ریخت‌شناسی را که وجهی

از ساختارگرایی است به معنای مطالعه صور و اشکال مورد توجه قرار می‌دهد. چنان چه گیاهان را می‌توان صورت‌بندی کرد، صور اشکال و قصه‌ها را نیز می‌توان مطالعه کرد (پراپ، ۱۳۶۸، ۱۱). بنابراین ریخت‌شناسی، بررسی ساختار، صورت و اجزای یک نظام ادبی است. در ریخت‌شناسی توصیف داستان‌ها بر اساس واحدهای تشکیل دهنده آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل داستان صورت می‌پذیرد (Propp, 1970, 28). ریخت‌شناسی پراپ یک روش صورت‌گرایانه است که به مطالعه ساختار ظاهری قصه‌ها می‌پردازد و از آن فراتر نمی‌رود. از این رو بافت شکل‌گیری قصه و زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی و غیره از نظر پراپ فرعی به شمار می‌آیند و او در مطالعه خود پیوندی با جهان خارج از متن برقرار نمی‌کند. این امر زمینه نقد برخی از صاحب نظران و منتقدان درباره شیوه و مطالعات پراپ است (تولان، ۱۳۸۶، ۴۱ و ۴۴). با این حال به کارگیری الگوی پراپ در بررسی متون روایی مختلف، می‌تواند ابعادی از هنر داستان‌پردازی را که در نقد سنتی مورد غفلت قرار گرفته است، آشکار نماید.

خویشکاری و شخصیت‌ها

هدف نهایی روایت‌شناسی کشف و شناسایی الگوهای جامع روایت است. این الگوها برآمده از ساختاری هستند که از در هم‌تنیدگی روابط میان سازه‌های یک متن بروز می‌یابند. از این رو روایت‌شناسی در واقع تجزیه و تحلیل سازه‌های قصه و زنجیره‌های پنهان آن است (اینگلتون، ۱۳۸۳، ۱۴۴-۱۴۵). در روایت‌شناسی یافتن واحدهای روایی پایه که کوچک‌ترین جزء یک روایت هستند، در گام اول موضوعیت دارد (سلدن، ۱۳۷۵، ۱۱۷-۱۱۸). این واحدهای روایی کوچک در واقع به نوعی بن مایه روایت را شکل می‌دهند که می‌تواند اندیشه، عمل داستانی، صحنه، موقعیت، فضا و غیره باشد. در این میان پراپ دو مفهوم «نقش» و «عمل» را به عنوان بن مایه روایت مطرح می‌کند (مقدادی، ۱۳۷۸، ۲۸۱). در الگوی ریخت‌شناسی پراپ، از میان این دو گزاره، عملکردها (خویش‌کاری) بر نقش‌ها (شخصیت‌ها) اولویت دارد (ریکور، ۱۳۸۴، ۶۶). خویش‌کاری از نظر پراپ عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که در جریان قصه دارای اهمیت است (Propp, 1970, 31). خویش‌کاری کنش یک شخصیت بر اساس اهمیت آن در سیر کنش‌های داستان است (پراپ، ۱۳۹۲، ۳۱). خویش‌کاری‌ها مستقل از این که به کدام شخصیت تعلق دارند و چطور شکل می‌گیرند، پایه شکل‌گیری داستان‌ها هستند (Propp, 1970, 31-33). پراپ ۳۱ خویشکاری را برای الگوی خود بیان می‌کند که پیش‌برنده داستان هستند (پراپ ۱۳۹۲، ۶۰-۱۳۵). شرح مختصر این خویش‌کاری‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خویشکاری‌ها در الگوی پراپ

ردیف	خویشکاری	علامت اختصاری	شرح
۱	غیبت	β	یکی از اعضای خانواده، خانه را ترک می‌کند.
۲	نهی	γ	ایجاد منع بر سر راه قهرمان
۳	نقض نهی	δ	در این مرحله قهرمان بر خلاف منع صورت گرفته عمل می‌کند و خود را به دزد می‌اندازد، در این مرحله پای شخصیت جدیدی به داستان باز می‌شود، مانند شریر.
۴	خبرگیری	ϵ	شریر به محض ورود به قصه، شروع به خبرگیری می‌کند. خبرگیری به منظور یافتن راه شرارت صورت می‌گیرد
۵	خبردهی	ζ	شریر اطلاعات لازم را در مورد قربانی یا قربانیانش به دست می‌آورد.
۶	فریبکاری	η	تلاش شریر برای فریب قربانی
۷	هم دستی	θ	قربانی فریب می‌خورد و ناآگاهانه در مسیر خواست شریر حرکت می‌کند.
۸	شرارت / نیاز	a/A	انجام شرارت توسط شریر یا احساس کمبود
۹	میانجیگری یا اعلام مصیبت	B	برملا شدن کمبود و نیاز
۱۰	مقابله آغازین	C	قهرمان در نهایت، موافقت می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که به مقابله بپردازد.
۱۱	عزیمت	\uparrow	این خویش‌کاری با خویش‌کاری مرحله یک (غیبت) متفاوت است. این

نوع عزیمت در حادثه‌ترین شکل همان فرار است. در این بخش داستان است که شخصیت بخشنده (حامی) نمایان می‌شود.			
۱۲	نخستین خویشکاری بخشنده	D	بخشنده بلافاصله بعد از ظهور، قهرمان را آزمایش می‌کند.
۱۳	واکنش قهرمان	E	واکنش مثبت یا منفی قهرمان در برابر نخستین خویشکاری بخشنده
۱۴	تدارک یا دریافت شیء جادو	F	جانوران، اشیاء جادویی و برخی صفات و توانایی‌هایی که به قهرمانان داده می‌شود، عامل جادویی هستند.
۱۵	انتقال مکانی، راهنمایی	G	انتقال قهرمان به مکان مورد نظر
۱۶	کشمکش	H	نبرد مستقیم قهرمان و شریر
۱۷	بدنامی قهرمان، نشان گذاشتن	J	در این خویشکاری در واقع قهرمانی با زخمی و یا نشانی بر بدن، به نوعی علامت‌گذاری می‌شود
۱۸	پیروزی	I	شکست خوردن شریر
۱۹	التیام مصیبت یا نیاز و کمبود	K	با پیروزی قهرمان، مصیبت یا کمبود آغاز قصه التیام می‌یابد. این خویشکاری با خویشکاری مصیبت یا نیاز یک زوج را تشکیل می‌دهد.
۲۰	بازگشت قهرمان	↓	-
۲۱	تعقیب قهرمان	Pr	-
۲۲	رهایی	Rs	رهایی قهرمان از تعقیب
۲۳	رسیدن به ناشناختگی	O	ورود قهرمان به مکانی دیگر به طور ناشناخته
۲۴	ادعاهای بی‌پایه	L	طرح ادعاهای بی‌اساس توسط قهرمان دروغین
۲۵	کار دشوار	M	سپردن وظیفه‌ای دشوار به قهرمان
۲۶	انجام کار دشوار	N	این خویشکاری با خویشکاری کار دشوار یک زوج را تشکیل می‌دهد.
۲۷	بازشناختن	Q	وقایعی به ظاهر شدن قهرمان منجر می‌شود.
۲۹	رسوایی قهرمان دروغین	Ex	-
۳۰	تغییر شکل	T	کسب وجوه‌های جدید توسط قهرمان
۳۱	مجازات	U	مجازات شریر در حال یا آینده
۳۲	عروسی	W	ازدواج و به تخت نشستن قهرمان

پراپ خویشکاری‌های اصلی داستان را بر حسب محتوا به تقسیم‌بندی جزئی‌تری (تیپ و نوع) تفکیک می‌کند (پراپ، ۱۳۹۲، ۲۷۱-۲۷۸) و آنها را با علائمی مشخص می‌کند تا ساختار الگوی خود را شکل دهد. هر روایت شامل تعداد محدود و معینی از شخصیت و عمل است که با صفات و انجام اعمال متفاوت، متغیر و متکثر می‌شوند (هارلند، ۱۳۸۵، ۲۴۷). فهرستی که پراپ از خویشکاری‌ها ارائه داده است با اندکی تعدیل و تبدیل در انواع مختلف متون و رسانه قابل کاربرد است (Tomaščíkova, 2009, 283). پراپ اعتقاد دارد که جایگزینی و توالی خویشکاری‌ها همواره یکسان است. همچنین از نظر او برخی از خویشکاری‌ها جفت محسوب می‌شوند برای مثال «کشمکش / پیروزی» و یا «کار دشوار / انجام آن» خویشکاری‌های زوج هستند. این خویشکاری‌ها توسط شخصیت‌های هفت گانه‌ای داستان را به پیش می‌برند. هر یک از این شخصیت‌ها حوزه کنش مخصوص به خود را دارد (پراپ، ۱۳۹۲، ۱۶۱-۱۶۲). شریر، قهرمان، حامی (اعطاگر)، یاریگر، اعزام کننده، قهرمان دورغین، شاهدخت (فرد مورد جست و جو) شخصیت‌های هفت گانه هستند که هر یک حوزه عملیاتی خود را دارند. حوزه کنش این شخصیت‌ها را در جدول ۲ مشاهده می‌کنید.

جدول ۲. شخصیت‌های هفت گانه الگوی پراپ

ردیف	شخصیت	حوزه کنش
۱	شریر	شرارت، جنگ، کشمکش با قهرمان، تعقیب قهرمان.
۲	قهرمان	عزیمت برای جستجو، واکنش در برابر درخواست‌های بخشنده، ازدواج
۳	حامی (اعطاگر)	آماده شدن برای انتقال یک شیء یا عامل جادویی (ماورایی) و اعطای آن به قهرمان

۴	یاریگر	انتقال مکانی قهرمان، التیام مصیبت یا کمبود، رهایی از تعقیب، انجام یا حل کار دشوار، تغییر شکل قهرمان.
۵	اعزام کننده	گسیل داشتن، اعزام کردن
۶	قهرمان دورغین	عزیمت برای جستجو، واکنش در برابر درخواست‌های بخشنده، طرح ادعاهای بی اساس.
۷	شاهدخت (فرد مورد جست و جو)	سپردن کار دشوار به قهرمان، داغ زدن یا نشان کردن، رسوا ساختن یا فاش کردن

بحث و یافته‌ها

۱. قرآن و روایت جنگ بدر

قرآن کریم کتاب داستان‌سرایی و قصه‌گویی نیست. قرآن کتابی هدایتگر است که در آن بر حسب مقتضای بحث و برای بیان حقایق و معارف، از ظرفیت قصه و داستان پیامبران و انبیاء گذشته استفاده شده است. از جمله این روایت‌ها در قرآن، بیان جنگ‌هایی است که در صدر اسلام و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وقوع پیوسته است. مانند جنگ بدر که در سال دوم هجرت صورت گرفت. شرح حوادثی که در جنگ بدر رخ داد در آیاتی از سوره انفال و آیاتی از سوره آل عمران آمده است. ترجمه این آیات مبنای توصیف و تحلیل روایت جنگ بدر در نوشتار حاضر است.

۲. توصیف خویش‌کاری‌های موجود در روایت جنگ بدر

سوره انفال

«به یاد آر هنگامی که خدا به شما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را می‌داد (غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام) و شما مسلمین مایل بودید که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند نصیب شما شود، و خدا می‌خواست که حق را با سخنان خود (که وعده پیروزی حق را داده است) ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند. تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران را خوش نیاید»^۲ (انفال/۷) (α: صحنه آغازین).

«و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت؛ (F1: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) و آبی از آسمان برایتان فرستاد، (F2: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) تا شما را با آن پاک کند؛ (D1: خویشکاری بخشنده) و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ (D2: خویشکاری بخشنده) و دل‌هایتان را محکم، (D3: خویشکاری بخشنده) و گام‌ها را با آن استوار دارد (D4: خویشکاری بخشنده)»^۳ (انفال/۱۱). «و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! (F3: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم؛ (D5: خویشکاری بخشنده) ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید (M1: کار دشوار)»^۴ (انفال/۱۲). «این به خاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش دشمنی ورزیدند؛ (A1: شرارت) و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می‌بیند)؛ (1): خبردهی) و خداوند شدید العقاب است!»^۵ (انفال/۱۳).

«این شما نبودید که آنها را کشتید؛ (N1: انجام کار دشوار) بلکه خداوند آنها را کشت! (H1: کشمکش) و این تو نبودی (ای

۲- وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقَطِّعَ ذَائِبِ الْكَافِرِينَ.

۳- إِذْ يُغَيِّبُكُمُ النَّعَاسَ مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ.

۴- إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ.

۵- ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقَرُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

پیامبر که خاك و سنگ به صورت آنها) انداختی؛ (N2: انجام کار دشوار) بلکه خدا انداخت! (H2: کشمکش) و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ (Dx: آزمودن قهرمان) خداوند شنوا و داناست^۶ (انفال/۱۷). «سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست‌کننده نقشه‌های کافران است»^۷ (انفال/۱۸). «اگر شما فتح و پیروزی می‌خواهید، (a1: کمبود) پیروزی به سراغ شما آمد! (K1: التیام مصیبت و کمبود) و اگر (از مخالفت) خودداری کنید، برای شما بهتر است! (γ2: نهی) و اگر بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت؛ و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری خدا) بی‌نیاز نخواهد کرد؛ (a2: کمبود) و خداوند با مؤمنان است»^۸ (انفال/۱۹).

«و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ (a3: کمبود) آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند! (a4: کمبود) ولی او شما را پناه داد (K2: التیام مصیبت و کمبود)؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ (K3: التیام مصیبت و کمبود) و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ (K4: التیام مصیبت و کمبود) شاید شکر نعمتش را به جا آورید»^۹ (E1: واکنش قهرمان) (انفال/۲۶).

«بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و اماندگان در راه (از آنها) است، (γx2: امر و دستور) اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی‌ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست»^{۱۰} (انفال/۴۱). «در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا؛ (و دشمن بر شما برتری داشت)؛ و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود؛ (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می‌گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، در انجام وعده خود اختلاف می‌کردید؛ (Z2: خبردهی) ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد؛ (D6: خویشکاری بخشنده) تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد؛ و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست»^{۱۱} (انفال/۴۲). «در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد؛ (F4: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) و اگر فراوان نشان می‌داد، مسلماً سست می‌شدید؛ و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می‌کشید؛ ولی خداوند (شما را از شرّ اینها) سالم نگه داشت؛ (D7: خویشکاری بخشنده) خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست»^{۱۲} (انفال/۴۳). «و در آن هنگام (که در میدان نبرد)، با هم رو به رو شدید، (C: مقابله آغازین) آنها را به چشم شما کم نشان می‌داد؛ (F5: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) و شما را (نیز) به چشم آنها کم می‌نمود؛ (F6: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی) تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد؛ (D6: خویشکاری بخشنده) و

۶- فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلَٰئِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

۷- ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَرِيمٌ.

۸- إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِي عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.

۹- وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

۱۰- وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّمَيِّزِ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۱۱- إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِئْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَٰكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِهِ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ.

۱۲- إِذْ بَرَكْتُمْ فِي مَنَاكِبِكُمْ فَلَإِنَّ أَرْأَسَكُمْ كَثِيرًا لَّفَسَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.

همه کارها به خداوند باز می‌گردد»^{۱۳} (انفال/۴۴).

«و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها [مشرکان] را در نظرشان جلوه داد و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد! و من، همسایه (و پناه‌دهنده) شما هستم!» (1:η1): فریبکاری) اما هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید؛ من از خدا می‌ترسم، (Tx): تغییر شکل) خداوند شدید العقاب است!»^{۱۴} (انفال/۴۸). «و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (2:η2): فریبکاری) (آنها نمی‌دانستند که هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می‌گردد؛) خداوند قدرتمند و حکیم است»^{۱۵} (انفال/۴۹). «و اگر بینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند): بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تأسف خواهی خورد»^{۱۶} (U: مجازات) (انفال/۵۰). «این، در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده‌اید؛ و خداوند نسبت به بندگان، هرگز ستم روا نمی‌دارد»^{۱۷} (انفال/۵۱). «این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست»^{۱۸} (انفال/۵۳). «این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارش را تکذیب کردند؛ (AX: شرات) ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ (UX: مجازات) و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند»^{۱۹} (انفال/۵۴).

«هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد (2:γ2: نهی) شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید؛ (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیة آزاد کنید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می‌خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است»^{۲۰} (انفال/۶۷). «اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [اسیرانی] که گرفتید، (81:δ: نقض نهی) مجازات بزرگی به شما می‌رسید»^{۲۱} (انفال/۶۸). «از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید؛ (2:γx2: امر و دستور) و از خدا بپرهیزید؛ (3:γx3: امر و دستور) خداوند آمرزنده و مهربان است»^{۲۲} (انفال/۶۹). «ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دل‌های شما بداند، (و نیات پاک داشته باشید)، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد؛ و شما را می‌بخشد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است»^{۲۳} (انفال/۷۰). «اما اگر بخواهند با تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند؛ (3:η3): فریبکاری) و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد؛ (D7:

۱۳- وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّمِيقَاتِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ.

۱۴- وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَزَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

۱۵- إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

۱۶- وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْبَابُهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ.

۱۷- ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ.

۱۸- ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

۱۹- كَذَّابٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُمُ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ.

۲۰- مَا كَانَ لِتَيْبِي أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُنْجَخَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

۲۱- لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.

۲۲- فَكُلُوا مِمَّا غَنَمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

۲۳- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

خویشکاری بخشنده) خداوند دانا و حکیم است»^{۲۴} (انفال/۷۱).

طرح خویشکاری‌های روایت جنگ بدر در سوره انفال:

F1 F2 D1 D2 D3 D4 F3 D5 $\gamma x1 A1 \zeta 1 N1 H1 N2 H2 D x a1 K1 \gamma 2 a2 a3 a4 K2 K3 K4 E1 \gamma x2 \zeta 2$
 .D6 F4 D7 C F5 F6 D6 $\eta 1 T x \eta 2 U A x U x U x \delta 1 \gamma x2 \gamma x3 \eta 3 D7$

سوره آل عمران

«در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: يك گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. و خداوند، هر کس را بخواهد، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان»^{۲۵} (آل عمران/۱۳). (*: α صحنه آغازین).

«(و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند)؛ (*: $\theta 1$: همدستی) و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمک کرد که از این فکر بازگردند)؛ (*: $D1$: خویشکاری بخشنده) و افراد با ایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند (*: $\gamma x1$: امر و دستور)»^{۲۶} (آل عمران/۱۲۲). «خداوند شما را در «بدر» یاری کرد؛ (*: $K2$: التیام مصیبت و کمبود) در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. (*: $a1$: کمبود) پس، از خدا بپرهیزید، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید (*: $\gamma x2$: امر و دستور)»^{۲۷} (آل عمران/۱۲۳). «در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟! (*: $F1$: تدارک یا دریافت شیء جادو - نصرت الهی)»^{۲۸} (آل عمران/۱۲۴).

«اگر (در میدان احد)، به شما جراحی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بدانند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. (*: Dx : آزمودن قهرمان) و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد»^{۲۹} (آل عمران/۱۴۰).

طرح خویشکاری‌های روایت جنگ بدر در سوره آل عمران:

$\theta 1 * D1 * \gamma x1 * K2 * a1 * \gamma x2 F1 ** D x *$

۱. توصیف شخصیت‌های موجود در روایت جنگ بدر در قرآن

از میان شخصیت‌های هفت گانه پراب، در روایت جنگ بدر با پنج شخصیت مواجه هستیم. در جدول زیر شخصیت‌های جنگ بدر آمده است.

- ۲۴- وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.
- ۲۵- فَذَكَرَ لَكُمْ آيَةً فِي فَتْنِ الْتَقَاتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهَا مِنْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ يُبْصِرُ مَنْ يُشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِقَوْمٍ الْأَبْصَارِ.
- ۲۶- إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.
- ۲۷- وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ.
- ۲۸- إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رَبُّكُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِّنَ السَّمَاءِ يَنْزِلِينَ.
- ۲۹- إِنَّ يُمْسِكُكُمْ قَوْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَوْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

جدول ۳. شخصیت‌های روایت جنگ بدر در سوره انفال و آل عمران بر مبنای الگوی پراپ.

نقش‌های الگوی پراپ						
شیر	قهرمان	بخشنده	یاریر	اعزام کننده	شاهزاده خانم	قهرمان دروغین
شیطان - کافران - منافقان	حضرت محمد (ص) و مؤمنان همراه	خداوند	فرشتگان - خواب - آب (باران)	خداوند	-	-

مصدق شخصیت شیر در این روایت بیش از یکی است. حوزه کنش‌های شیر در روایت جنگ بدر به این شرح است:

جدول ۴: حوزه کنش‌های شیر در روایت جنگ بدر در سوره انفال و آل عمران بر مبنای الگوی پراپ.

شیر	حوزه شرارت
شیطان	ادعای دروغین (فریبکاری)
کافران	دشمنی با خدا و رسول (جنگ کردن)
منافقان	سرزنش مؤمنان (فریبکاری)
آل فرعون	تکذیب آیات پروردگار

در میان شخصیت‌ها، یک شخصیت تکرار شونده در دو نقش داریم. در الگوی پراپ ممکن است یک شخصیت بیش از یک نقش را ایفا کند. برای مثال گسیل دارنده و بخشنده یکی باشد (اسکولز، ۱۳۹۳، ۹۹). در گفتمان روایی جنگ بدر نیز اعزام کننده (گسیل دارنده) و بخشنده (حامی) یکی هستند که همان خداوند است. خویش‌کاری‌های خداوند در روایت جنگ بدر از اهمیت بالایی برخوردار است و عمده این خویش‌کاری‌ها در اعطای شیء جادویی به قهرمان است. از این رو در روایات جنگ بدر با یاریگرانی چون خواب، باران و فرشتگان مواجه هستیم. در الگوی پراپ جانوران، اشیاء جادویی و برخی صفات و توانایی‌هایی که به قهرمانان داده می‌شود، عامل جادویی محسوب می‌شوند (پراپ، ۱۳۹۲، ۹۴). عوامل یاریگر که در تعبیر پراپ عوامل جادویی هستند از نظر ماهیت با عوامل یاریگر قرآنی متفاوت هستند. اعطا کننده عوامل یاریگر در گفتمان قرآنی، خداوند است. هدف از به کارگیری این عوامل یاریگر نیز در گفتمان قرآنی نصرت، هدایت و نجات مردم و جامعه بشری است.

پیرامون شخصیت شاهدخت (کسی که در جست و جویش هستند) می‌توان به این نکته اشاره نمود که از حیث ماهیتی این شخصیت و حوزه عملیاتی او در جریان جنگ بدر، توصیفی ندارد. با این حال می‌توان این نکته را در نظر داشت که در روایت‌های قرآنی، خداوند به عنوان مصدر و منشأ اصلی کنش‌ها، حضور غالب و برجسته‌ای دارد. حضوری مافوق بشری که با چارچوب دیگری قابل قیاس نیست. از این رو الگوهای زبان‌شناسانه و ساختارشناسانه که بر مبنای متون بشری پی ریزی می‌شوند در این حوزه قابلیت تعمیم و تطبیق ندارند. اما در مقیاس کوچکتر، آن چه در الگوی پراپ به عنوان شاهدخت و پدرش در نظر گرفته می‌شود، به نوعی با جایگاه خداوند در گفتمان قرآن، تطبیق می‌یابد. شاهدخت و پدر او به نوعی انگیزه قهرمان برای جستجو و عزیمت هستند و در آخر نیز ازدواج با شاهدخت و یا رسیدن به تخت پادشاهی، پاداشی است که نصیب قهرمان می‌شود. در روایت قرآنی نیز، امثال اوامر الهی و کسب رضایت او و رسیدن به پاداش‌های دنیوی و اخروی و دور ماندن از عقاب خداوند، پاداشی است که نصیب قهرمان (پیامبر و مؤمنان) می‌شود.

۲. تحلیل شخصیت‌ها و خویش‌کاری‌های روایت جنگ بدر

یکی از عناصر ریخت‌شناسی پراپ مشخص کردن حرکت در روایت است. منظور از حرکت، بسط یافتن و تطوری است که از شرارت (A) یا کمبود و نیاز (a) آغاز می‌شود و با گذشت از سایر خویش‌کاری‌های میانجی، به سرانجامی چون ازدواج (W) می‌رسد (پراپ، ۱۳۶۸، ۱۸۳). هر روایت از یک یا چند حرکت تشکیل می‌شود. از این رو ممکن است چند حرکت با هم ترکیب شوند و یا پیش از اتمام یک حرکت، حرکت دیگری آغاز شود و یا دو حرکت به پایان مشترکی برسند و غیره (پراپ، ۱۳۶۸، ۱۸۴-۱۸۶). روایت جنگ بدر، روایتی تک حرکتی است. نیاز به غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام و وعده فتح از یک سو و شرارت کافران در دشمنی با خدا و رسول از سوی دیگر، حرکت روایت در جنگ بدر را شکل می‌دهد و صحنه آغازین (α) در آیه ۱۳ سوره آل عمران این رویارویی را تصویر می‌کند. گروه کافران و گروه مؤمنان در میدان نبرد مقابل یکدیگر صف آرایی کرده‌اند. یکی عناصر مهم ریخت‌شناسی، صحنه آغازین است. صحنه آغازین توصیف و خبری است که راوی درباره شخصیت‌ها و شرایط زندگی آنها می‌دهد و زمان و مکان را مشخص می‌کند (پراپ، ۱۳۶۸، ۶۰). صحنه آغازین یک خویش‌کاری محسوب نمی‌شود اما از عناصر مهم در روایت است. صحنه آغازین (α) روایت جنگ بدر در آیه ۷ سوره انفال با یادآوری وعده فتح و وعده احقاق حق و برکنند کافران تصویر می‌شود. وعده فتح، انگیزش (mot.) لازم را به وجود می‌آورد. انگیزش دلایل و اهدافی است که شخصیت‌ها بر اساس آنها به عمل دست می‌زنند. انگیزه‌ها از ناپایدارترین عناصر قصه‌ها به شمار می‌روند (پراپ، ۱۳۶۸، ۱۵۳).

در ابتدای روایت مشخص می‌شود که خداوند اراده کرده که حق پیروز شود. تحقق این وعده با نصرت الهی همراه است. از این رو یکی از خویشکاری‌های پر تکرار روایت مورد بحث، تدارک یا دریافت شیء جادو (F) است که در گفت‌وگوهای قرآن، همان نصرت و امداد الهی است. فرشتگان، خواب، باران از جمله عوامل یاریگر در داستان هستند که از سوی بخشنده به قهرمان اعطا می‌شود. در این روایت شخصیت بخشنده و حامی (خداوند) از شخصیت‌های مهم و کلیدی است که خویش‌کاری‌های گوناگونی (D) در روایت توسط او صورت می‌پذیرد و زمینه یاری رساندن به قهرمان (پیامبر و مؤمنانی که پیامبر را همراهی می‌کنند) را فراهم می‌کند. این یاری رساندن در مقابل شخصیت‌های شریر روایت است که شامل شیطان، کافران و منافقان است. شرارت هر یک از این اشرار حرکت در روایت را رقم می‌زند. شرارت اصلی که باعث شکل‌گیری روایت بدر می‌شود، دشمنی کافران با خدا و پیامبر است (انفال/۱۳). در تکمیل این شرارت، خویشکاری فریبکاری (η) نیز که از سوی شیطان (انفال/۴۸) و منافقان (انفال/۴۹) رقم می‌خورد، گره‌های روایت را ایجاد می‌کنند. فریبکاری شیطان با خویشکاری تغییر شکل خنثی می‌شود. در الگوی پراپ تغییر شکل (T) شامل تغییر در ساختار ظاهری قهرمان یا کسب وجهه جدید است. اما در این روایت با تغییر شکل دیگری از سوی شریر مواجه هستیم که از ادعای پناه دهنده بودن به بی‌زاری جستن از یارانش، تغییر می‌کند. البته در این جا می‌توان به خویشکاری دیگری نیز اشاره کرد. ادعای شیطان مبنی بر پناه دادن به کسانی که در جنگ شرکت می‌کنند، با خویشکاری ادعای بی پایه (L) نیز تطابق دارد. البته در ادامه روایت خود شخصیت شریر (شیطان) از ادعای بی اساس خود منصرف شده و دروغین بودن آن مشخص می‌شود (انفال/۴۸). در اثر فریبکاری که در این روایت رقم می‌خورد، گروهی از مسلمانان فریب می‌خورند (θ) و تصمیم به ترک جنگ می‌گیرند (آل عمران/۱۲۲)، اما با پشتیبانی و حمایتی که از سوی شخصیت بخشنده صورت می‌گیرد، این فریبکاری بی نتیجه می‌ماند. از این رو جفت خویشکاری فریب‌کاری و فریب خوردن ($\eta\theta$) صورت نمی‌گیرد. شرارت دیگری که در این روایت به آن اشاره می‌شود، شرارتی است که در گذشته رخ داده که در آن آل فرعون به تکذیب آیات الهی پرداخته‌اند (انفال/۵۴). ذکر این شرارت (A) و نتیجه آن که به مجازات (U) ختم شده، خویشکاری *A*U را رقم می‌زند تا مثل و الگویی از سرانجام شرارت باشد. در

روایت جنگ بدر نیز سرانجام شرارت (دشمنی با خدا و رسول)، مجازاتی است که با مرگ آنها خاتمه می‌یابد (انفال/۵۰).

خویشکاری کشمکش (H) میان قهرمان (پیامبر و مؤمنان) و شریر (کافران) در جنگ تن به تن رخ می‌دهد. سرانجام این کشمکش، پیروزی (I) قهرمان و همراهان اوست که توانسته‌اند از انجام کار دشوار (NM) برآیند و شریر را بکشند. پراپ بر اساس جفت خویشکاری «کشمکش/پیروزی» و «کار دشوار/انجام آن» چهار رده قصه را در نظر می‌گیرد: ۱-H-I، 2-N-M، 3-H-I و 4-N-M - هیچ کدام از خویش کاری‌های H,I,N,M, انجام نشده (پراپ، ۱۳۶۸، ۶۲-۶۳). در روایت جنگ بدر سپردن کار و مأموریت دشوار و انجام آن منجر به پیروزی بر شریر می‌شود و قهرمان در کشمکش با شریر پیروز می‌شود (NM=HI). از این رو در روایت جنگ بدر با نوع سوم از بسط داستان، یعنی بسط از طریق دو خویشکاری H-I و N-M مواجه هستیم. البته با این تفاوت که در روایت جنگ بدر پیروزی بر شریر نیز به شخصیت بخشنده و اعزام کننده یعنی خداوند استناد داده می‌شود (انفال/۱۷) و این امر خویشکاری دیگری را در روایت رقم می‌زند که همان آزمودن قهرمان (Dx) است (انفال/۱۷).

پراپ معتقد است شکل وارونه نهی که همان امر است نیز در داستان رخ می‌دهد (پراپ، ۱۳۹۲، ۶۲). خویشکاری امر و دستور (YX) نیز که صورت موجه خویشکاری نهی (Y) است در ارتباط با استفاده درست از غنائم (انفال/۴۱ و ۶۹) و نیز توصیه به تقوای الهی (انفال/۶۹ و آل عمران/۱۲۳) است. جفت خویشکاری نهی (Y) و نقض نهی (δ) نیز در ارتباط با نهی از گرفتن اسیر و گرفتن اسیر در روایت دیده می‌شود. نقض نهی به عنوان سومین خویشکاری در الگوی پراپ یکی از گره‌های داستان است که در ابتدای قصه رخ می‌دهد و نقض نهی، ماجراهای بعدی را به وجود می‌آورد، اما در روایت جنگ بدر نقض نهی در انتهای داستان و پس از پیروزی انجام می‌شود و در جنگ بدر و حرکت اصلی که اعزام برای جنگ است با مخالفت رو به رو نیستیم.

نتایج

- با عنایت به آن چه در این پژوهش صورت گرفت می‌توان گفت الگوی پراپ و نظرات او در تحلیل ماجرای جنگ بدر در گفتمان روایی قرآن از کارایی نسبی برخوردار است و تحلیل این حوادث بر مبنای این الگو مستلزم پاره‌ای تغییرات و اضافات در آن است. برخی از خویش کاری‌هایی که پراپ در تحلیل‌های خود بیان می‌کند با خویش کاری‌هایی که در قرآن به طور عام و در ماجرای جنگ بدر به طور خاص آمده است، از حیث ماهوی تفاوت دارد. خویش کاری‌ها در گفتمان روایی قرآن، مختصر بیان شده و هدفمندند. همچنین خویش کاری‌هایی که حالت معنوی دارند، حضور پررنگی در خویشکاری‌های قرآنی دارند. از این رو تطابق برخی از این خویش کاری‌ها با تسامح میسر خواهد بود.

- از میان ۳۱ خویش کاری مورد نظر پراپ، در روایت جنگ بدر با ۱۷ خویشکاری مواجه هستیم. طرح خویشکاری‌های روایت جنگ بدر در سوره انفال و آل عمران نشان داد که این خویشکاری‌ها لزوماً توالی الگوی پراپ را در بر ندارد.

- حرکت در روایت جنگ بدر از سویی با شرارت کافران آغاز شده و از سوی دیگر محصول نیاز و کمبود (a) مؤمنان است. نیاز به فتح و پیروزی و نیز ترس از اذیت شدن و نداشتن امنیت (انفال/۱۹ و ۲۶) و ناتوانی نسبت به دشمنان (آل عمران، ۱۲۳)، به کشمکش منجر شده و با پیروزی و غلبه بر شریر، خویشکاری التیام مصیبت و کمبود (K) حاصل می‌شود. از این رو جفت خویش کاری a(A)K نیز در ساختار این روایت مشاهده می‌شود.

- در روایت جنگ بدر با نوع سوم از بسط داستان، یعنی بسط از طریق دو خویشکاری H-I و N-M مواجه هستیم. کار دشواری به عهده قهرمان گذاشته می‌شود و قهرمان (پیامبر و مؤمنان) با عوامل یاریگری که از سوی بخشنده به آنها اعطا می‌شود، یعنی فرشتگان، خواب، باران و خویش کاری‌های مستقیم بخشنده (خداوند) در کشمکش با شریر (کافران، شیطان، منافقان) به

پیروزی می‌رسند.

- از میان هفت شخصیت مورد نظر در روایت جنگ بدر، با پنج شخصیت شیرین، قهرمان، بخشنده، اعزام‌کننده و یاریگر مواجه هستیم. البته باید اذعان نمود که علی رغم وجود برخی از شخصیت‌های هفت‌گانه در ماجرای جنگ بدر، ماهیت این شخصیت‌ها و ماهیت کنش‌های صورت گرفته توسط آنها با داستان‌های عامیانه کاملاً متفاوت است.

- در مقایسه با الگوی پراپ و جایگاه قهرمان به عنوان شخصیت تأثیرگذار به نظر می‌رسد در گفتمان روایی جنگ بدر، شخصیت بخشنده و اعطا‌کننده (خداوند)، از اهمیت بیشتری برخوردار است و کنش‌های او بسامد بیشتری در ساختار روایت دارد.

منابع

- قرآن کریم؛

- ایبرمز، ام. اچ و هرفم، جفری گالت (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، مترجم: سعید سبزیان، تهران: رهنما.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۳). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- کالر، جاناناتان (۱۳۸۲). نظریه ادبی، مترجم: فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- ریکور، پل (۱۳۸۴). زمان و حکایت: پیکربندی زمان در حکایت داستانی، مترجم: مهشید نونهالی، تهران: گام نو.
- سلدن، رامان (۱۳۷۵). نظریه ادبی و نقد علمی، مترجم: جلال سخنور و سیما زمانی، تهران: پویندگان نور.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی: از افلاطون تا عصر حاضر، تهران: فکر روز.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۵). درآمدی تاریخی بر نظریه‌ی ادبی از افلاطون تا بارت، مترجم: علی معصومی و دیگران، تهران: چشمه، چاپ سوم.
- پراپ، ولادمیر (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه. مترجم: مدیا کاشیگر. تهران: نشر روز.
- پراپ، ولادمیر (۱۳۹۲). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، مترجم: فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات توس، چاپ سوم.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶). درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی در روایت، مترجم: ابوالفضل حری، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- Chatman, S. (1989). *Story and Discourse: Narrative Structure in Fiction and Film*, ITHACA: Cornell University Press.
- Todorov, T. (1969). *Grammaire du Décaméron [Grammar of the Decameron]*. Approaches to Semiotics, Vol. 3, The Hague: Mouton.
- Propp, Vladimir. (1970). *Morphologate du Conte*. Translated by M. Derrida & T. Todorov & C. Kahan. Paris: Seuil.
- Tomaščíková, Slavka. (2009). Narrative Theories and Narrative Discourse. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov (Series IV: Philology and Cultural Studies)*, Vol. 3, (52), 259-270.